

چگونه کتاب مقدس را مطالعه و تفسیر کنیم؟

یکی از مهمترین و حیاتی ترین کاری که یک ایماندار واقعی به مسیح باید انجام دهد؛ بی شک مطالعه روزانه کتاب مقدس است. اگر دعا کردن همچون تنفس روحانی است که اکسیژن لازم را به انسانیت تازه مان می رساند؛ مطالعه کتاب مقدس همچون غذایی است که برای رشد روحانی ضروری است. مطالعه کلام خدا به منظور درک و شناخت مکاشفه خاص خداوند است؛ بدین معنی که خدای قادر مطلق از طریق کتاب مقدس، خود (ذات و اراده اش) را به ما انسانها نمایان ساخته است. کلمه «مکاشفه» **Revelation** «دقیقا یعنی کشف و آشکار شدن و یا تجلی آن چیزی که قبلا پوشیده و کتمان بوده است! همانطور که برای تبحر در علوم و ریاضیات نیاز به سالها مطالعه و سخت کوشی و پشتکار است؛ برای درک و تفسیر صحیح کلام خدا نیز احتیاج به صرف وقت بسیار و مطالعه دقیق آن مطابق با اصول علمی و زبان شناسی است که در چند قسمت و بسیار مختصر به معرفی آنها خواهیم پرداخت.

توجه کنید مطالعه کتاب مقدس صرفاً به معنای رو خوانی آن نیست یا آموختن تکنیک هایی که بتوان مطالب خوانده شده را از بر کنیم یا در طول سال چند بار آن را بخوانیم که البته همه اینها به نوبه خود خوب و مفید هستند؛ بلکه بدین معنی است که مفهوم و معنای آنچه را که می خوانیم؛ درک کنیم.

علم «تفسیر کلام خدا» یا «Hermeneutics» برای این منظور بکار گرفته می شود. اصولی که در اینجا به آنها خواهیم پرداخت برای تفسیر و درک صحیح هر سند مکتوب تاریخی از شعر حافظ گرفته تا قانون اساسی کشوری که در سده های گذشته نوشته شده است؛ نیز می تواند مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین رو خوانی کتاب مقدس با تفسیر آن دو مقوله کاملاً متفاوت هستند. با رو خوانی کتاب مقدس، متوجه می شویم که کتاب مقدس در مورد موضوعی خاص «چه می گوید».

به کمک تفسیر کتاب مقدس، متوجه می شویم که «معنی و مفهوم آنچه را که می گوید» چیست؟ این دو مقوله تفاوت بسیاری با هم دارند؛ برای مثال در در بحث دعا به آیاتی از انجیل یوحنا فصل ۱۶ اشاره کردیم که مسیح خطاب به شاگردانش می گوید:

« ۲۳ ... آمین، آمین، به شما می‌گویم، هر چه از پدر به نام من بخواهید، آن را به شما خواهد داد. ۲۴ تاکنون به نام من چیزی نخواست‌اید؛ بخواهید تا بیابید و شادی‌تان کامل شود.»

صرفاً با روخوانی از این آیات و بدون تفسیر صحیح، به نظر می‌رسد که مسیح به شاگردانش و یا ایمانداران می‌گوید که هر چیزی که دلتان می‌خواهد در دعا بطلبید و پدر آسمانی برای شما اجابت خواهد کرد؛ گویی چک سفیدی به همه ایماندارانش داده است!

شاید کسی اینگونه دعا کند « ای پدر آسمانی دعا میکنم که فردا راس ساعت ۱۰ صبح، شخصی ثروتمند یک اتومبیل پورشه آخرین مدل را به من هدیه بدهد. به نام مسیح طلبیدم آمین.» هر چند ممکن است این مثال بسیار خنده‌دار به نظر آید؛ ولی در طول تاریخ برداشت غلط، سطحی و کودکانه از کلام خدا باعث بروز مشکلات بیشماری در زندگی ایمانداران شده است و حتی بسیاری ایمان خود را از دست داده‌اند. در مثال بالا اگر با اصول علمی تفسیر، آیات را با توجه به پس‌زمینه تاریخی و فرهنگی دو هزار سال پیش منطقه یهودیه و اصول زبان‌شناسی مورد مطالعه قرار دهیم به مفهوم دقیق آن پی خواهیم برد. منظور مسیح از «به نام

من» در آیات فوق تطابق با «ذات و اراده اش» است؛ بنابراین اگر آنچه که مطابق اراده مسیح است از پدر آسمانی بخواهید آن را به شما عطا خواهد کرد. یوحنا رسول در رساله اول نیز دقیقاً به این موضوع اشاره می کند:

« ۱۳ اینها را به شما نوشتم که به نام پسر خدا ایمان دارید، تا بدانید که از حیات جاویدان برخوردارید. ۱۴ این است اطمینانی که در حضور او داریم که هر گاه چیزی بر طبق اراده وی درخواست کنیم، ما را می شنود.»
رساله اول یوحنا ۵: ۱۳ و ۱۴

بنابراین تفسیر صحیح ما را می آموزد که مخاطبان مسیح و یا مخاطبان رسولان مسیح دقیقاً چه برداشت و درکی از گفته های آنان داشتند و نه اینکه ما در قرن بیست و یکم چه برداشتی از آن گفته ها داریم! به عبارت دیگر تفسیر صحیح این است که برای ما روشن شود متن عهد جدید کتاب مقدس، دو هزار سال پیش چه معنایی داشت. یک پلیس یا کارآگاه جنائی به دنبال این است که بداند در لحظه ارتکاب یک جنایت دقیقاً چه اتفاقی افتاده است و بنابراین صحنه جنایت را بازسازی می کند و وقایع را از دید

حاضران آن واقعه در زمان ارتکاب جنایت مورد ارزیابی قرار می دهد. حال اگر این جنایت مربوط به پنجاه سال پیش باشد در این صورت مسئله باز پیچیده تر خواهد شد و باز سازی صحنه آن رویداد احتیاج به اطلاعات جانبی بسیاری خواهد بود. در تفسیر کتاب مقدس نیز باید به گذشته برگشت و آن را دقیقاً بازسازی کرد!

اگر متن کتاب مقدس را با توجه به آداب و فرهنگ و زبان قرن کنونی تعبیر کنیم به احتمال بسیار زیاد معنایی کاملاً متفاوت از متن آن برداشت می شود که ابداع قصد نویسندگان نبوده است. اجازه دهید با مثالی ساده این موضوع را کمی روشن سازیم. (لطفاً پیش از ادامه، انجیل لوقا فصل ۱۵ داستان پسر گمشده را بخوانید.)

هر سطر این داستان برای مخاطبان مسیح (علماء و رهبران دینی و مردم عادی) قرن اول میلادی یهودیه شوکه کننده است.

همچون فیلم سینمایی که برای شوکه کردن بینندگانش با سقوط شخصی از طبقه سی ام آسمان خراشی به داخل استخری واقع در حیات هتل شروع می شود که در محوطه آن مهمانی پر زرق و برقی از افراد بلند مرتبه و سیاسی در

جریان است؛ این داستان نیز با شوکی آغاز می شود؛ دقت کنید پسر کوچک این شخص ثروتمند، ارث خود را از پدرش می طلبد. اگر یک سوئدی این داستان را بخواند ابا متوجه این شوک نمی شود: بلکه شاید تصور کند «چه پسر بی تربیتی و یا چه پسر ماجراجویی» ولی از دیدگاه فریسیان و مردمی که زندگی آنها بر اساس شرف و آبرو استوار بود و در جامعه کاملاً مذهبی و بسته یهود قرن اول میلادی که بی احترامی به پدر گاهی سزایش سنگسار و مرگ بود؛ مسئله کاملاً جنبه دیگری داشت. از نظر آنان این پسر مستوجب سنگسار بود و یا لاقل پدرش باید وی را در ملاءعام و در حضور جوانان آن دهکده به فلک می کشید تا برای همه درس عبرتی می شد. برای شنوندگان مسیح چنین درخواستی شوکه کننده و بی شرمی محض بود؛ اما بی شرمانه تر از آن سکوت سنگین پسر بزرگتر خانواده است که خواننده امروزی حتی لحظه ای متوجه آن نمی شود. در فرهنگ یهود قرن اول میلادی هنگام تقسیم ارث، دو سوم آن به پسر بزرگتر و یک سوم به پسر کوچکتر تعلق می گرفت. پسر بزرگ خانواده چشم و چراغ پدر و آینده وی محسوب می شد و باید سرپرستی همه امور خانواده و املاک پدر را به عهده می گرفت؛ وی باید با نشاندن سیلی

بر صورت برادر کوچکترش و بیرون راندن وی از منزل از احترام و ارج و مقام والای پدر دفاع می کرد ولی سکوت ضمنی وی در این داستان بیانگر این است که به همان اندازه پسر کوچکتر و شاید حتی بیشتر، از پدر بیزار و متنفر است و با او رابطه ای ندارد. توجه کنید وقتی پسر کوچکتر به پدرش می گوید ارث مرا به من واگذار یعنی اینکه تو در زندگی من مرده ای!

من با تو هیچ رابطه ای نمی خواهم داشته باشم ؛ ارزشها و دلبستگی های تو دیگر ارزشها و دلبستگی های من نیست!

داستان در اینجا ختم نمی گردد مسیح با استادی تمام شوک دیگری را بر ضمیر فریسیان و شنوندگانش وارد می کند؛ وی می افزاید که پدر به درخواست آن پسر نوجوان جواب آری می دهد! در اینجا علمای مذهبی احتمالا از فرط عصبانیت در دلشان به آن پدر ناسزا می گفتند و حتی شاید برخی بلافاصله از آن محل رفتند. در نظر آنان بی شرمی پدر از بی شرمی آن دو پسر نیز بیشتر بود؛ یک پدر با غیرت و محترم و عضو آن جامعه مردسالار هرگز به چنین درخواستی تن در نمی داد ولی پدر داستان مسیح، ثروتش را تقسیم می کند.

آیا فکر می کنید بدون مطالعه آداب و رسوم مردم یهود در قرن اول میلادی می توان درک دقیقی از این داستان داشت؟

داستان که پیش می رود مسیح می افزاید آن پدر که چشم به راه پسر کوچکش بود با دیدن او «شتابان به سوی او دویده او را به آغوش می کشد» تصور کنید رئیس جمهور ایران قبایش را تا زانوهای بالا بزند و در خیابانهای شهر تهران با شتاب بدود! حال در ذهنتان دو هزار سال به عقب بازگردید؛ شخصی ثروتمند و متشخص در کوچه پس کوچه های خاکی و گلی دهکده ای در یهودیه در حالی که بخش تحتانی قبایش و صندل هایش را به دست گرفته و تا زانو و رانش عریان است دیوانه وار در حال دویدن است؛ آیا فکر نمی کنید این شخص احترام و جایگاه خود را در میان مردم آن دهکده از دست می داد؟ اما سوال اینجاست که چرا باید این پدر شتابان به سوی پسرش بدود؟ می دانید چرا...؟ چونکه اگر اهالی آنجا چشمشان به آن پسر نوجوان می افتاد با سنگ و کلوخ از وی استقبال می کردند. نوجوانی که با بت پرستها و روسپی های کافر غیر یهودی پولهای پدرش را صرف کرده بود سرانجام شومی انتظارش را می کشید. یهودیان قرن اول میلادی بقدری متعصب بودند که هنگام بازگشت از

سفر دور، قبل از ورود به خاک یهودیه حتی گرد و خاک لباسهایشان را تکان می دادند تا سرزمین مقدسشان را از خاک کافران نجس نسازند.

ولی پدر این را به خوبی می دانست و قبل از اینکه دست اهالی دهکده به پسرش برسد با سرعت به سوی او می شتابد تا از او محافظت کند؛ هر چند خود در این راه بی حرمت گردد!

پدری که در بالاخانه با شکوهش سکونت داشت و خادمین متعدد او را خدمت می کردند؛ تصمیم می گیرد جلال خود را ترک کند و با لباس غلامی در کوچه پس کوچه های گلی و خاکی برای نجات جان پسر گمشده اش از جانش نیز مایه بگذارد!

به انتهای داستان که نزدیک می شویم فریسیان که تا این لحظه از فرط عصبانیت به خاطر کارهای آن پدر بی شرم و بی حیا دیگر حتی به آن پسر نوجوان نمی اندیشیدند؛ ناگهان با پسر بزرگتر روبرو می شوند!

در این داستان مسیح، پسر بزرگتر نماینده تمام مردم ریاکار مذهبی جهان (به خصوص فریسیان و صدوقیان؛ علما و رهبران مذهبی یهود قرن اول میلادی) است؛ کسانی که در ظاهر برای خدا و شریعتش غیرت و تعصب دارند و حرمت

و احترام سرشان می شود ولی در باطن و خفا مانند پسر بزرگ این داستان، خود از اولین کسانی هستند که همان شریعت را می شکنند و از آن اطاعت نمی کنند!

هنگامی که پسر بزرگتر از مزرعه به سوی خانه بر می گردد و متوجه می شود که برادرش از سرزمین کفر برگشته و پدر برای او جشنی برگزار کرده است؛ بسیار عصبانی می شود. این عصبانیت و خشم دقیقاً یکی از مشخصات مذهب یون ریاکار دنیا است. فریسیان که داستان مسیح را با خشم دنبال می کردند ناگهان یک حس خوبی به آنان دست می دهد زیرا می بینند بالاخره کسی پیدا شده است که از حرمت و احترام دهکده دفاع کند. پسر بزرگ از فرط عصبانیت به خانه نمی رود و مجدداً پدرش با فروتنی به در خانه می آید و با محبت از پسر بزرگتر دعوت می کند تا در جشن بازگشت برادر کوچکترش شرکت کند زیرا وی از مرگ نجات یافته است.

در اینجا داستان ناگهان تمام می شود و گویی برای خواننده این سوال همچنان بی پاسخ باقی می ماند که تکلیف پسر بزرگتر چه می شود؟

در واقع مسیح شوکه کننده ترین بخش را به انتها موکول کرده است! مسیح همچون همیشه با استادی تمام داستانش

را تمام میکند؛ انتظار او از خوانندگان این است که کمی خارج از چارچوب فکر کنند!

پسر بزرگتر که نماینده فریسیان و صدوقیان و علمای مذهبی یهود بود و از ابراز بی شرمانه محبت و فیض پدر در قبال برادر گناهکارش به ستوه آمده بود در حالی که مهمانان در داخل خانه، بازگشت برادر کوچکترش را با شادی و رقص جشن می گرفتند و پایکوبی می کردند؛ به همراه دوستانش، پدر را کشان کشان به کوچه ای تاریک و خلوت می برند و با چوب و چماق بر سرش می کوبند و با خشمی عظیم او را به قتل می رسانند تا این بی شرمی از آن دهکده محو شود!

در واقع انتهای داستان مسیح را چند ماه بعد خود فریسیان و علمای مذهبی ریاکار تکمیل کردند که آن را می توانید در فصل های ۲۲ و ۲۳ انجیل لوقا بخوانید!

در اینجا فقط بخشی اندکی از این داستان را برای شما تحلیل کردیم بدون اینکه به معنای عمیق و الهیاتی آن بپردازیم. همانطور که ملاحظه می کنید برای درک بهتر متن کتاب

مقدس و یا هر سند تاریخی لازم است که به آن دوران برگردیم و اتفاقات را از دیدگاه مردم آن دوران مطالعه کنیم.

حال سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که اصولاً چرا ما باید نگران تفسیر کلام خدا باشیم؟ مگر کتابها و منابع مختلفی که در این زمینه وجود دارد کافی نیست؟ در جواب این سوال باید تاکید کنیم که مطالعه منابع موثق و کتابهایی که حاصل تلاش و کوشش طاقت فرسای دانشمندان و متخصصین معتبر علم الهیات است بدون شک بسیار ارزشمند و ضروری است؛ متأسفانه بسیاری از این منابع ارزشمند به فارسی ترجمه نشده اند؛ از سویی دیگر حتی اگر کسی مسلط به زبانهای دیگر بخصوص انگلیسی نیز باشد باز توصیه ما این است که دانستن اصول اولیه و پایه در این زمینه به ما کمک می کند که درک بهتری از تفسیرهای ارائه شده در منابع مختلف داشته باشیم و یا صحت و سقم و اعتبار آنها را بهتر ارزیابی کنیم. ما در عصر بمباران اطلاعات مجازی زندگی می کنیم و همانطور که دانستن حداقلی در زمینه های سیاسی، پزشکی، اقتصادی و ... به ما کمک می کند که در گرداب اطلاعات

غلط و دروغ غرق نشویم؛ دانستن اصول اولیه تفسیر کلام خدا نیز به ما کمک می کند که اطلاعات مجازی را از فیلترهای مطمئن عبور دهیم.

قبلا اشاره کردیم که یکی از اصول مهم تفسیر صحیح کلام خدا این است که پس زمینه تاریخی متن مورد مطالعه را در حد امکان ارزیابی و بازسازی کنیم. منظور از پس زمینه تاریخی وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و همچنین جغرافیایی دورانی است که رویدادهای تاریخی کلام خدا در آن واقع شده است. بدون داشتن این اطلاعات و بازسازی صحنه آن رویداد درک معنی متن مورد مطالعه به احتمال قوی کامل و دقیق نخواهد بود. اجازه دهید با مثال دیگری این بحث را ادامه دهیم. در انجیل لوقا فصل ۲۱ می خوانیم:

هدیه بیوه زن فقیر

۱ عیسی به اطراف نگریست و ثروتمندانی را دید که هدایای خود را در صندوق بیت المال معبد می انداختند. ۲ در آن میان بیوه زنی فقیر را نیز دید که دو قران در صندوق انداخت. ۳ عیسی گفت: «براستی به شما می گویم، این

بیوه‌زن فقیر از همه آنان بیشتر داد. ۴ زیرا آنان جملگی از
فزونی دارایی خویش دادند، اما این زن در تنگدستی خود،
تمامی روزی خویش را داد.» لوقا ۲۱: ۴-۱

به راستی معنی و مفهوم دقیق متن فوق چیست؟ مسیح در
مورد چه چیزی سخن می‌گوید؟ آیا صدقه دادن؟ آیا منظور
مسیح این است که اجر آن بیوه زنی که همه دارایی خود را
در صندوق هدایا انداخت بسیار بیشتر از دیگران بود؟ آیا
مسیح همه مخاطبان را نیز تشویق می‌کند که هر چه دارند
باید در راه خدا صرف کنند؟

اگر صرفاً به روخوانی این متن اکتفا کنیم بدون اینکه پس
زمینه تاریخی آن را بدانیم و یا آن رویداد را دقیقاً بازسازی
کنیم؛ مطلقاً معنی دقیق و صحیح این متن به دست نمی‌آید.
قبل از اینکه به تفسیر دقیق این متن بپردازیم به این نکته
بسیار مهم باید اشاره کنیم که شماره آیات، شماره و عنوان
فصل‌ها و پاراگرافها (به جز در موارد بسیار نادر در برخی
مزامیر عهد عتیق) الهام خدا نیستند و صرفاً برای کمک به
خواننده در یافتن آیات و سهولت مطالعه به متن کتاب مقدس
اضافه شده‌اند. بنابراین متنی که در فصل ۲۱ آغاز می‌شود

ممکن است ریشه در وقایعی داشته باشد که در فصل ۲۰ ام اتفاق افتاده اند و بررسی آن بدون در نظر گرفتن وقایع قبلی به نتایج غلط منتهی می شود؛ بنابراین متن مورد مطالعه را باید همیشه با در نظر گرفتن بخش های مرتبط به آن در فصل های قبل و بعد و نیز بر مبنای کل محتوا و هدف آن کتاب خاص بررسی کرد.

حال اجازه دهید صحنه این رویداد بخصوص را بازسازی کنیم. این رویداد احتمالاً در روز چهارشنبه هفته آخر زندگی مسیح در معبد باشکوه اورشلیم که مرکز پرستش یهودیان بود؛ روی می دهد. توجه کنید که مسیح در روز جمعه همان هفته در بیدادگاه صدوقیان و فریسیان که علمای مذهبی و رهبران و نخبگان قوم یهود بودند و جایگاه بسیار برجسته ای نزد قوم یهود قرن اول میلادی داشتند قبل از طلوع خورشید محاکمه شد و سرانجام به دستور پنتیوس پیلاتوس حاکم رومی منطقه فلسطین در ساعت نه صبح همان جمعه مصلوب گشت.

ورود مظفرانه مسیح به اورشلیم بر روی کره الاغی در روز یکشنبه (یا احتمالاً دوشنبه) همان هفته اتفاق افتاد. روز بعد (احتمالاً دوشنبه یا سه شنبه) مسیح به معبد رفت و بساط کبوتر فروشان و تخت صرافان را واژگون کرد و کسانی را

که در آنجا داد و ستد می کردند از معبد بیرون راند. کاهنان معبد خدا که عمدتاً از فرقه صدوقیان بودند و کنترل معبد را در اختیار داشتند از مردمی که برای پرستش خدا و تقدیم قربانی (مطابق فرامین تورات) از سراسر منطقه به معبد اورشلیم می آمدند سود هنگفتی به جیب می زدند. مردم مجبور بودند که حیوانات قربانی را از محوطه معبد که فروش آنها تحت اختیار کاهنان بود؛ با قیمتی بسیار گرانتر تهیه کنند. از سویی دیگر کاهنان برای کسب درآمد بیشتر مردم را از استفاده از پول رایج رومی برای خرید حیوان قربانی به بهانه حرام بودن آن منع کرده بودند (زیرا عکس امپراتور روم بر روی سکه نقش بسته بود) و مردم از صرافان محوطه معبد می بایست با صرف هزینه بیشتر پول رایج رومی (دِرْهَم یا دینار) را با پول ویژه معبد مبادله می کردند! بدین ترتیب معبد اورشلیم تبدیل به محل داد و ستد و فروش حیوانات قربانی شده بود. حال به این آیات توجه کنید:

۴۵ سپس (مسیح) به صحن معبد درآمد و به بیرون راندن فروشندگان آغاز نمود، ۴۶ و به آنان گفت: «نوشته شده

است که «خانه من خانه دعا خواهد بود»؛ اما شما آن را
«لانه راهزنان» ساخته‌اید.»

۴۷ او هر روز در معبد تعلیم می‌داد. اما سران کاهنان و
علمای دین و مشایخ قوم در پی کشتن او بودند، ۴۸ ولی
راهی برای انجام مقصود خود نمی‌یافتند، زیرا مردم همه
شیفته سخنان او بودند. انجیل لوقا ۱۹: ۴۵-۴۸

۴۵ در همان حال که مردم همه گوش فرا می‌دادند، عیسی
به شاگردان خود گفت: ۴۶ «از علمای دین بر حذر باشید
که دوست دارند در قبای بلند راه بروند و مردم در کوچه و
بازار آنها را سلام گویند، و در کنیسه‌ها بهترین جای را
داشته باشند و در ضیافتها بر صدر مجلس بنشینند. ۴۷ از
سویی خانه‌های بیوه‌زنان را غارت می‌کنند و از دیگر سو،
برای تظاهر، دعای خود را طول می‌دهند. مکافات اینان
بسی سخت‌تر خواهد بود.» انجیل لوقا ۲۰: ۴۵-۴۷

۱۳ «وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما
در پادشاهی آسمان را به روی مردم می‌بندید؛ نه خود داخل
می‌شوید و نه می‌گذارید کسانی که در راهند، داخل شوند.
۱۴ «وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما
از سویی خانه بیوه‌زنان را غارت می‌کنید و از دیگر سو،

برای تظاهر، دعای خود را طول می‌دهید. از همین رو، مکافاتتان بسی سخت‌تر خواهد بود.

۱۵ «وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما دریا و خشکی را درمی‌نوردید تا یک نفر را به دین خود بیاورید و وقتی چنین کردید، او را دو چندان بدتر از خود، فرزند جهنم می‌سازید...»

۳۷ «ای اورشلیم، ای اورشلیم، ای قاتل پیامبران و سنگسارکننده رسولانی که نزد تو فرستاده می‌شوند! چند بار خواستم همچون مرغی که جوجه‌هایش را زیر بالهای خویش جمع می‌کند، فرزندان تو را گرد آورم، اما نخواستی! ۳۸ اینک خانه شما به خودتان ویران وا گذاشته می‌شود. ۳۹ زیرا به شما می‌گویم که از این پس مرا نخواهید دید تا روزی که بگویید: "مبارک است آن که به نام خداوند می‌آید."» انجیل متی ۲۳: ۱۳-۳۹

در روز چهارشنبه نیز مسیح حملات خود را خطاب به این رهبران شدت می‌دهد و آنان را در ملاعام مورد مواخذه قرار می‌دهد. مسیح حوالی ظهر- احتمالاً خسته از مجادله و رویارویی با آن گروه- نزدیک دروازه معبد می‌نشیند و به مردمی می‌نگرد که برای دادن صدقه به آنجا می‌آمدند؛ احتمالاً انبوهی از مردم و برخی از شاگردانش نیز آنجا حاضر بودند. در این لحظه بیوه زن فقیری از راه می‌رسد

و صدقه خود را که کل داراییش بود به داخل صندوق می اندازد.

حال با این اطلاعات و تصویری که در ذهنمان از این رویداد بازسازی کردیم تفسیر دقیق آیات مورد بررسی آسان تر خواهد بود. اما برای درک بهتر این متن اجازه دهید با این مثال بحث را ادامه دهیم؛ شخصی را در ذهنتان مجسم کنید که در طول عمر خود برای برقراری آزادی و عدالت اجتماعی در کشورش مبارزه کرده است و قرار است او را دو روز دیگر اعدام کنند! ولی به هر دلیلی به او اجازه داده شده است که آخرین حرفهای خود را در ملاعام و یا از طریق رسانه ها به مردم بزند؛ شما فکر می کنید این شخص در مورد کدام موضوع صحبت خواهد کرد:

۱- حفاظت از محیط زیست ۲- فساد اداری ۳- آزادی و عدالت اجتماعی

طبعاً جواب شما گزینه سوم خواهد بود!

آیا فکر می کنید مسیح که دقیقاً می دانست در روز جمعه چه سرنوشتی در انتظارش بود و در سراسر خدمتش ریاکاری و فاسد بودن سیستم مذهبی وقت و رهبران آن را برملا ساخته بود؛ ناگهان تصمیم می گیرد که در مورد «صدقه دادن» تعلیم دهد؟! در واقع مسیح با اشاره به این صحنه به

شنوندگان و شاگردانش یادآوری می کند که رهبران ریاکار این سیستم فاسد مذهبی از دو ریال یک بیوه زن فقیر نیز نمی گذرند! این در حالی است که ده ها بلکه صدها فرمان و دستور الهی در تورات و سراسر عهد عتیق وجود دارد که یهودیان و مخصوصا رهبران آنان را ملزم می کرد که به فقرا و بیوه زنان بی سرپرست سرزمین شان کمک کنند. چرا یک بیوه زن فقیری که زندگی خود را به سختی اداره می کند باید آخرین ریال خود را به این سیستم فاسد هدیه دهد؟!!

مقایسه مسیح در این آیات ابا به این دلیل نیست که نشان دهد آن بیوه زن، نسبت به ثروتمندان و یا مردم دیگری که صدقه می دهند؛ اجر بیشتری دارد و یا کار بهتری انجام می دهد بلکه هدف مسیح از این مقایسه این است که نشان دهد در یک سیستم فاسد دینی بیشترین فشار بر سر مردم محروم و کم درآمد جامعه است (در اینجا ذکر کلمه «مستضعفین بسیار وسوسه کننده است!)

آن ثروتمندان که شاید مبلغ قابل ملاحظه ای نیز به صندوق می انداختند فشاری متحمل نمی شدند زیرا بخش ناچیزی از دارایی شان را هدیه می دادند؛ در حالی که آن بیوه زن هر

آنچه را که داشت در صندوق انداخت و احتمالا آن روز را با گرسنگی سپری کرد.

مجددا ملاحظه کردید که با بازسازی صحنه واقعه و جمع آوری همه اطلاعات تاریخی مرتبط، موفق شدیم که متن مورد مطالعه را بطور دقیق و صحیح ارزیابی و تفسیر کنیم. اگر صرفا به روخوانی چند آیه آغازین فصل ۲۱ انجیل لوقا اکتفا می کردیم هرگز به این نتیجه نمی رسیدیم. جالب است که شاگردان مسیح بعد از شنیدن این مطلب از وی هیچ سوالی در این رابطه نمی پرسند زیرا دقیقا منظور وی را درک کرده بودند.

قبلا اشاره کردیم که قدم اول در مطالعه کلام خدا، خواندن دقیق آن است. با روخوانی کتاب مقدس متوجه می شویم که کلام خدا در مورد موضوع خاصی «چه می گوید»؛ قدم بعدی یعنی «تفسیر کتاب مقدس» برای ما روشن می سازد که «معنی و مفهوم آنچه که کتاب مقدس در زمینه خاص می گوید چیست؟».

در اینجا یکی از بهترین و موثرترین روشهای مطالعه و خواندن روزانه کتاب مقدس را ارائه می دهیم. با بکارگیری

این روش مطالعه، درکی بسیار عمیق و دقیق از کل محتوای کتاب مقدس «عهد جدید» حاصل می شود که در تفسیر صحیح کلام خدا ضروری است.

پیشنهاد ما این است که از انجیل متی شروع کنید و هر روز چهار فصل را مطالعه کنید. (برای کسانی که وقت بیشتری دارند و یا سریع می خوانند؛ می توانند فصل های بیشتری را مطالعه کنند.)

انجیل متی شامل ۲۸ فصل می باشد و بنابراین با خواندن چهار فصل در روز، در عرض یک هفته کل انجیل متی را مطالعه خواهید کرد. هفته دوم را مجدداً از فصل اول انجیل متی آغاز کنید و دوباره کل انجیل متی را بخوانید. این کار را برای چهار هفته ادامه دهید. در طول چهار هفته (یک ماه) شما چهار بار انجیل متی را مطالعه کرده اید و تصویری کامل و دقیق از انجیل متی در ذهنتان شکل می گیرد. توجه کنید که هنگام مطالعه مخصوصاً برای سومین و چهارمین بار همیشه در گوشه ذهنتان سوال های متعددی در رابطه با متنی که می خوانید مطرح کنید ولی مدت زیادی را برای جوابها صرف نکنید زیرا هدف در وهله اول خواندن کتاب است. مثلاً این رویداد در کجا و کی اتفاق افتاد؟ چرا شاگردان این سوال را از مسیح پرسیدند؟ هدف مسیح از

بیان این مطلب چه بود؟ چرا متی بر این رویداد تاکید می کند؟...

بعد از مطالعه انجیل متی، بلافاصله انجیل مرقس را شروع کنید. انجیل مرقس شامل ۱۶ فصل است و اگر روزی چهار فصل مطالعه کنید در عرض چهار روز کل کتاب را می خوانید. در روز پنجم مجدداً انجیل مرقس را با همان روال بخوانید؛ بعد از ۱۶ روز چهار بار انجیل مرقس را مطالعه می کنید. این کار را برای تک تک کتابهای عهد جدید کتاب مقدس تکرار کنید. با توجه به وقت و سرعت خواندن میتوانید برنامه خاص خود را ترتیب دهید و چهار بار پیوسته خواندن هر کتاب را در مدتی کوتاه تر یا طولانی تر به انجام رسانید. در مورد اکثر رسالات که چند صفحه بیشتر نیستند در عرض یک روز می توانید کل رساله را یک بار بخوانید و در چهار روز، چهار دفعه کل رساله را مطالعه کنید. با این روش در عرض حدوداً ۳۰۰ روز (کمتر از یک سال) کل عهد جدید را چهار بار مطالعه می کنید. با این برنامه درک بسیار جامعی از کل محتوای عهد جدید- وقایع زندگی مسیح، داستاناتها و مثل های مسیح، مباحث الهیاتی رسالات و موضوعات دیگر- خواهید داشت.

بعد از اینکه عهد جدید را چهار بار مطالعه کردید؛ به مطالعه عهد عتیق کتاب مقدس پردازید.

برای مطالعه عهد عتیق بهتر است از دو نقطه مختلف شروع کنید؛ پیشنهاد ما این است که از «پیدایش» که اولین کتاب عهد عتیق است و همچنین از کتاب مزمور شروع کنید و هر روز دو فصل از هر کتاب را بخوانید و پیش بروید؛ برای عهد عتیق احتیاجی به تکرار نیست و بعد از یکبار خواندن هر کتاب بلافاصله کتاب بعدی را شروع کنید. اگر هر روز چهار فصل از عهد عتیق را بخوانید در عرض کمتر از یک سال کل عهد عتیق را یک بار خواهید خواند. هر سال این برنامه را برای عهد عتیق تکرار کنید. در رابطه با عهد جدید می توانید هر سه سال یکبار مطابق برنامه پیشنهادی مطالعه کنید. در بقیه موارد مانند روش عهد عتیق از دو نقطه مختلف شروع کنید و دو فصل از هر کتاب را روزانه بخوانید و پیش بروید. مثلاً برای شروع، دو فصل از انجیل متی و دو فصل از رساله پولس به رومیان را بخوانید. به طبع به کمک این برنامه و مطالعه سیستماتیک، اطلاعات شما از کل کتاب مقدس به تدریج بیشتر می شود و در مراحل بعدی با تمرکز بر روی یک متن مشخص و با به

کارگیری اصول تفسیر و منابع موثق، معنی و مفهوم آن متن نیز هر چه بیشتر برای شما آشکار می شود. توجه کنید برای اکثر ما شاید مطالعه روزانه چهار فصل کتاب مقدس کار طاقت فرسایی به نظر آید؛ ولی با کمی تمرین می توان در کمتر از پانزده دقیقه به راحتی چهار فصل را مطالعه کرد. این در حالیست که اکثر افراد در طول روز ساعت ها وقت خود را در شبکه های اجتماعی و یا با نگاه کردن برنامه های تلویزیونی سپری می کنند!

مطالعه سیستماتیک کتاب مقدس، داشتن آشنایی مختصر با اصول کلی تفسیر کلام خدا و بکارگیری برخی از منابع موثق به ما کمک می کند که درکی بهتر و جامع تر از کتاب مقدس داشته باشیم. همانطور که تغذیه سالم و مناسب برای رشد فیزیکی و سلامتی جسم ضروری است؛ تغذیه روحانی که با مطالعه صحیح و درک درست مفاهیم کتاب مقدس حاصل می شود نیز برای رشد روحانی و سلامت روحمان اجتناب ناپذیر است. دقت کنید که ممکن است هر روز کتاب مقدس بخوانیم ولی اگر درک درستی از آن نداشته باشیم؛ رشد روحانی اندکی حاصل می شود. همانطور که درک

عمیق و درست مفاهیم ریاضیات و تئوری های علمی، منجر به پیشرفت در تکنولوژی و صنعت می شود؛ برای بکارگیری اصول کتاب مقدس در زندگی روزانه نیز باید در وهله اول درک عمیق و درستی از آنها داشته باشیم. اجازه دهید این بحث را با معرفی یکی دیگر از اصول مهم تفسیر صحیح کتاب مقدس همراه با مثالی ادامه دهیم. یکی دیگر از اصول تفسیر صحیح کتاب مقدس «اصل سازگاری و عدم تناقض» است. قبلا بارها اشاره کردیم که کتاب مقدس «مکاشفه خاص» خداوند است. خدا از این طریق هویت، اراده و قصد خود را برای انسان ها آشکار کرده است. کتاب مقدس الهام خداست و به طبع در جز و در کل مصون از خطا است و حقایق الهی را با زبانی ساده و قابل فهم به انسانها منتقل می کند. یکی از ویژگی های مهم «حقیقت» این است که همه اجزا تشکیل دهنده آن در سازگاری کامل و در عدم تناقض با یکدیگر هستند. هیچ شکی نیست که برخی مطالب کتاب مقدس پیچیده و درک آنها فوق از عقل انسانی است زیرا منعکس کننده هویت و اراده خدای بی نهایت و قادر مطلق است؛ ولی پیچیدگی برخی مطالب با متناقض و ناسازگار بودن آنها، دو مقوله کاملا جدا هستند. کتاب مقدس شامل ۶۶ کتاب (۳۹ کتاب

عهد عتیق و ۲۷ کتاب عهد جدید) است که در طول حدود ۱۵۰۰ سال توسط نویسندگان بسیاری در زمان ها و مکان های مختلف نوشته شده است. از کتاب پیدایش (اولین کتاب عهد قدیم) گرفته تا کتاب مکاشفه (آخرین کتاب عهد جدید)، همه بطرز شگفت انگیزی در «سازگاری» کامل و «عدم تناقض» با یکدیگر می باشند زیرا همه نویسندگان به الهام خدای روح القدس مطالب خویش را نوشته اند. این یک اصل بسیار مهم و حیاتی در تفسیر صحیح کتاب مقدس است که باید همواره مد نظر قرار گیرد. این اصل حتی در مورد کتابهای علمی و غیر علمی نیز تا حدی صدق میکند یعنی انتظار خواننده هر کتابی این است که نویسنده مثلا مطلبی را که در فصل دوم نوشته است در فصل هفتم آن را نقض نکند و یا اینکه در فصل نهم، موضوعی را تشریح نکند که کاملا ناسازگار با بخشهای دیگر کتاب است!

مطابق این اصل، تفسیر هر متن یا آیه ای باید کاملا سازگار با بخشهای دیگر کتاب مقدس باشد؛ بدین معنی که نمی توان آیه یا متنی را به گونه ای تفسیر کرد که با آیات دیگر و تعلیم کلی کتاب مقدس در آن زمینه در تناقض باشد. این اصل یک کاربرد عملی بسیار مفیدی نیز دارد و آن این است که خود کتاب مقدس بهترین مفسر خویش است! یعنی برای

تفسیر آیه ای یا متنی پیچیده می توان از بخشهای دیگر کلام خدا که فهم آنها آسان تر است یاری جست. برای روشن شدن بیشتر موضوع با مثالی این بحث را دنبال می کنیم. به آیه ای از پولس رسول در رساله اول تیموتائوس ۲: ۱۵ که تفسیر آن پیچیده است توجه کنید: « ۱۵ اما زنان با زادن فرزندان، رستگار خواهند شد، اگر در ایمان و محبت و تقدّس، نجیبانه ثابت بمانند.»

براستی پولس رسول در اینجا در مورد چه موضوعی صحبت می کند؟ کلمه «رستگار» دقیقا به چه معنی است؟ آیا منظور پولس رسول این است که زنان علاوه بر ایمان به مسیح باید حتما فرزندان نیز بزنند تا زندگی ابدی حاصل کنند در غیر این صورت به جهنم خواهند رفت؟! یکی از ویژگی های منحصر به فرد کلام خدا در اقتصاد کلمات آن است (Economy of words) (یعنی اختصار کلمات با وجود عمق معنایی آن). به دلیل وجود این ویژگی گاهی نیاز به تفکر و صرف وقت بیشتری برای درک کامل مطالب آن است.

حال از اصل سازگاری و عدم تناقض در تفسیر آیه فوق استفاده خواهیم کرد تا به معنی دقیق آن دست یابیم.

به آیات زیر از پولس رسول توجه کنید:

« ۲۳ زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کوتاه می‌آیند.
۲۴ اما به فیض او و به واسطه آن بهای رهایی که در
مسیح عیسی است، به‌رایگان پارسا (عادل) شمرده
می‌شوند. ۲۵ خدا او را چون کفاره گناهان عرضه داشت،
کفاره‌ای که توسط خون او و از راه ایمان حاصل
می‌شود... ۲۷ پس دیگر چه جای فخر است؟ از میان
برداشته شده است! بر چه پایه‌ای؟ بر پایه شریعت اعمال؟
نه، بلکه بر پایه قانون ایمان. » رومیان ۳: ۲۳-۲۷

« ۱۲ پس، همان‌گونه که گناه به واسطه یک انسان (آدم)
وارد جهان شد، و به واسطه گناه، مرگ آمد، و بدین‌سان
مرگ دامنگیر همه آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه
کردند... ۱۷ زیرا اگر به واسطه نافرمانی یک انسان، مرگ
از طریق او حکمرانی کرد، چقدر بیشتر آنان که فیض
بیکران خدا و عطای پارسایی (عدالت) را دریافت کرده‌اند،
توسط آن انسان دیگر، یعنی عیسی مسیح، در حیات حکم
خواهند راند. » رومیان ۵: ۱۲ و ۱۷

« ۱۰ زیرا آنان که بر انجام اعمال شریعت تکیه دارند،
همگی زیر لعنت‌اند، چرا که نوشته شده است: «ملعون باد
هر که در به جا آوردن تمام آنچه در کتاب شریعت نوشته

شده ثابت نماند.» ۱۱ واضح است که هیچ‌کس به واسطهٔ شریعت نزد خدا پارسا (عادل) شمرده نمی‌شود، زیرا «پارسا به ایمان زیست خواهد کرد.» ۱۲ اما شریعت بر ایمان متکی نیست، بلکه «کسی که اینها را به عمل آورد، به واسطهٔ آنها حیات خواهد داشت.» ۱۳ مسیح به جای ما لعن شد و این‌گونه ما را از لعنت شریعت بازخرد کرد،..»
غلاطیان ۳: ۱۰-۱۳

« ۱۷ پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی تازه است. چیزهای کهنه درگذشت؛ هان، همه چیز تازه شده است! ۱۸ اینها همه از خداست که به واسطهٔ مسیح ما را با خود آشتی داده و خدمت آشتی را به ما سپرده است. ۱۹ به دیگر سخن، خدا در مسیح جهان را با خود آشتی می‌داد و گناهان مردم را به حسابشان نمی‌گذاشت، و پیام آشتی را به ما سپرد. ۲۰ پس سفیران مسیح هستیم، به گونه‌ای که خدا از زبان ما شما را به آشتی می‌خواند. ما از جانب مسیح از شما استدعا می‌کنیم که با خدا آشتی کنید. ۲۱ او کسی را که گناه را نشناخت، در راه ما گناه ساخت، تا ما در وی پارسایی خدا شویم.» دوم قرن‌تیان ۵: ۱۷-۲۱
و نیز از انجیل یوحنا:

« ۱۶ زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد.» یوحنا ۳: ۱۶

همه آیات فوق (و آیات بسیار دیگری) نشان می دهد که ما فقط و فقط به واسطه ایمان به مسیح از طریق کفاره وی و نه با اعمال شریعت، نجات می یابیم. هیچ انسانی با انجام شریعت و فرامین اخلاقی خدا و یا اعمال نیکو نمی تواند عادل شمرده شود تا چه رسد به زادن فرزندان!

بنابراین منظور پولس رسول در آیه ذکر شده، اِدا این نیست که زنان علاوه بر ایمان لازم است فرزندان نیز بزنند تا نجات یابند. چنین تفسیری با تعلیم کتاب مقدس در تناقض و تضاد کامل است. در ضمن کلمه «رستگار شدن» در آن آیه نیز به معنی نجات از مرگ ابدی نیست. پس منظور پولس رسول چیست؟ نگاهی به آیات قبلی در اول تیموتائوس ۲: ۱۳ و ۱۴ نور بیشتری بر این قضیه می تابد:

« ۱۳ زیرا نخست آدم سرشته شد و بعد حوا. ۱۴ و آدم فریب نخورد، بلکه زن بود که فریب خورد و نافرمان شد. » ۱۵ اما زنان با زادن فرزندان، رستگار خواهند شد، اگر در ایمان و محبت و تقدّس، نجیبانه ثابت بمانند.

با توجه به آیات قبلی و کل متن، پولس رسول در اینجا یک مقایسه بسیار کلی بین حوّا و همه زنان ارائه می دهد.

حوّا با فریب خوردن از شیطان (آن مار قدیمی در باغ عدن) و نافرمانی از دستور خدا باعث می شود که آدم نیز در این منجلاب گرفتار آید و بدین ترتیب کل نسل بشر در گناه سقوط کند. (ر.ک. به بحث گناه انسان)

این سقوط (هبوط) به مرگ و نابودی ابدی انسان ها منتهی شد زیرا رابطه انسان با خدای قدوس و عادل مطلق که سرچشمه حیات است؛ گسسته شده است.

این انگي است که به حوّا و تمام دختران وی (همه زنان دنیا) چسبیده است! زیرا از لحظه نافرمانی حوا به بعد، همه زنان در حال زادن نسلی گناهکار و سقوط کرده اند.

منظور پولس رسول در این آیه این است که در مسیح عیسی برای زنان (در کل) امید رهایی (رستگاری) از این انگ و ننگ وجود دارد. زیرا با ایمان به مسیح نه تنها خود زنان نجات می یابند بلکه با رشد روحانی در محبت، قدوسیت و تقوا به این توانایی دست می یابند که بر خلاف حوّا، نسلی ایماندار و خدا ترس را به جهان عرضه کنند. (با زادن فرزندان و تربیت و پرورش صحیح آنها که نقش اصلی یک زن و مادر است)

این صرفاً یک مقایسه بسیار کلی است و ابداً به این موضوع که برخی زنان ممکن است به هر دلیلی بچه دار نشوند و یا حتی ازدواج نکنند؛ ندارد. با ارائه این مثال کاربرد اصل سازگاری و عدم تناقض را نشان دادیم.

تاکنون به دو اصل بسیار مهم در تفسیر صحیح کتاب مقدس (و هر سند تاریخی دیگر) اشاره کردیم. اولین اصل، بررسی پس زمینه تاریخی (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی و ...) متن مورد مطالعه است که به ما کمک می‌کند مانند یک متخصص مسائل جنایی صحنه رویدادها را بازسازی و تجسم کنیم. دومین اصل، اصل سازگاری و عدم تناقض است که مختصری به آن اشاره کردیم؛ این اصل مخصوصاً در تحلیل متن‌های تعلیمی - الهیاتی و نتیجه‌گیری صحیح از آنها بسیار مهم است.

سومین اصلی که مختصری به آن خواهیم پرداخت؛ اصل تحلیل ادبی یا به عبارتی بررسی و مطالعه متن کتاب مقدس بر اساس قواعد صرف و نحو (دستور زبان)، واژه‌شناسی و نقد ادبی است. برای تفسیر صحیح کتاب مقدس باید

ساختار ادبی هر متن را بررسی کرد. کتاب ها، دایره
المعارف ها و لغت نامه های بسیار ارزشمندی از
دانشمندان و متخصصان این رشته وجود دارد که افراد
عادی می توانند از آنها استفاده کنند.

در اینجا هدف از ارائه این بحث، اشاره به اصول تخصصی
و پیچیده زبان شناسی نیست بلکه ارائه مطالب ساده تر و
کاربردی است که می توان حتی در مطالعه روزمره ترجمه
های نسبتا خوب فارسی کتاب مقدس، مانند ترجمه قدیم
فارسی و ترجمه هزاره نو نیز بکار برد. (توصیه ما به
دوستان این است که از خواندن ترجمه های تعبیری و
مبسوط کتاب مقدس که برای سادگی، ترجمه طولانی تری را
ارائه می دهند؛ پرهیز کنند.)

یکی از اصول کاربردی که در زیر مجموعه اصل ادبی می
گنجد؛ این است که در وهله اول کتاب مقدس را مانند هر
کتاب دیگر باید خواند؛ منظور این است که زمانی که کتابی
می خوانیم قواعد مربوط به هر سبک ادبی خاص را در
گوشه ذهنمان مد نظر قرار می دهیم. ساختار ادبی و به طبع
تفسیر یک شعر، داستان تخیلی، نامه اداری و یا یک مقاله
علمی همه با هم فرق می کنند.

توجه کنید که خداوند با زبانی ساده در طول هزاران سال نگارش کتاب مقدس، با انسانها سخن گفته است. هیچ معنای مرموزی که فقط عده ای خاص با بینش آسمانی ویژه به آن دسترسی داشته باشند در کتاب مقدس وجود ندارد! هر ایماندار واقعی می تواند با صرف وقت و داشتن کمی پشتکار کتاب مقدس را مطالعه کند و اراده خداوند را درک نماید. همانگونه که قبلا نیز اشاره کردیم؛ مطالبی در کتاب مقدس وجود دارد که بسیار پیچیده هستند و دلیل این امر روشن است زیرا این کتاب مکاشفه خدای بی نهایت و خالق جهان هستی است؛ این پیچیدگی باعث می شود که گاهی تفسیر های مختلفی از متنی واحد ارائه شوند و این کاملا طبیعی است؛ همانگونه که تئوری های کیهان شناسان در مورد وضعیت یک سیاهچاله به دلیل پیچیدگی موضوع و داده های کم ممکن است با هم اختلاف داشته باشند ولی این موارد در کتاب مقدس نادر هستند. بنابراین حین خواندن کتاب مقدس به زبان فارسی مانند هر کتاب دیگری به قواعد دستور زبان در گوشه ذهنتان توجه کنید؛ آیا این جمله خبری است یا امری؟ این فعل ماضی، مضارع یا آینده است؟ این ضمیر بر چه اسمی دلالت دارد؟ فاعل، فعل و مفعول

جمله کدام است؟ سوالهایی از این قبیل به ما کمک می کنند که درک دقیق تری از متن در ذهنمان شکل گیرد.

علاوه بر ساختار دستوری و صرف و نحو جملات، شناخت و تشخیص گونه های ادبی نیز بسیار مهم است. روایات تاریخی کتاب مقدس، رویداد های واقعی را به زبانی ساده گزارش می کنند. (مانند معجزات مسیح در اناجیل و یا سفر های پولس رسول در اعمال رسولان)

برخی متون مانند مثل های مسیح مفاهیم عمیق الهیاتی را در قالب یک داستان بیان می کنند که در آنها آرایه های ادبی مانند استعاره، تمثیل، کنایه، مبالغه، تشبیه و ... بکار رفته است. متون دیگری در کتاب مقدس وجود دارد که در زبان اصلی در قالب شعر و سرود نوشته شده اند. رسالات عهد جدید بیشتر جنبه تعلیمی - الهیاتی دارند و تفسیر آنها پیچیده تر از روایات تاریخی است. کتاب مکاشفه در عهد جدید و پیشگوی های دیگر کتاب مقدس، مفسر را به چالش می کشند و بررسی و تحلیل آنها نیاز به صرف وقت بسیار و داشتن اطلاعات و تجربیات وسیعتری در رابطه با کتاب مقدس و فن تفسیر است.

هرگز نباید قواعد سبک های مختلف ادبی را با هم مخلوط کرد؛ مثلاً نباید روایات تاریخی کتاب مقدس را در قالب

استعاره ها و یا تمثیل های ادبی معنی و تفسیر کرد. داستان زکای باجگیر در انجیل لوقا ۱۹: ۱-۱۰ را در نظر بگیرید:

۱ عیسی به آریحا درآمد و از میان شهر می‌گذشت. ۲ در آنجا توانگری بود، زکا نام، رئیس خراجگیران. ۳ او می‌خواست ببیند عیسی کیست، اما از کوتاهی قامت و ازدحام جمعیت نمی‌توانست. ۴ از این رو، پیش دوید و از درخت چناری بالا رفت تا او را ببیند، زیرا عیسی از آن راه می‌گذشت. ۵ چون عیسی به آن مکان رسید، بالا نگریست و به او گفت: «زکا، بشتاب و پایین بیا که امروز باید در خانه تو بمانم.» ۶ زکا بی‌درنگ پایین آمد و با شادی او را پذیرفت. ۷ مردم چون این را دیدند، همگی لب به شکایت گشودند که: «به خانه گناهکاری به میهمانی رفته است.» ۸ و اما زکا از جا برخاست و به خداوند گفت: «سرور من، اینک نصف اموال خود را به فقرا می‌بخشم، و اگر چیزی به ناحق از کسی گرفته باشم، چهار برابر به او باز می‌گردانم.» ۹ عیسی فرمود: «امروز نجات به این خانه آمده است، چرا که این مرد نیز فرزند ابراهیم است. ۱۰ زیرا پسر انسان آمده تا گمشده را بجوید و نجات بخشد.»

این یک روایت و گزارش تاریخی از رویدادی واقعی است.

در تفسیر این متن مطلقاً نباید از تمثیل و استعاره استفاده کرد؛ برای مثال کوتاه قد بودن زکا در این داستان هیچ معنای پنهان و مرموزی ندارد و یا بالا رفتن زکا از درخت چنار معنی روحانی ندارد! همانطور که با خواندن یک واقعه تاریخی چنین برداشتهایی نمی‌کنیم در اینجا نیز همین قاعده حکمفرماست.

شفای بارتیمائوس کور در مرقس ۱۰: ۴۶-۵۲ را نظر بگیرید:

۴۶ آنگاه به آریحا آمدند. و چون عیسی با شاگردان خود و جمعیتی انبوه آریحا را ترک می‌گفت، گدایی کور به نام بارتیمائوس، پسر تیمائوس، در کنار راه نشسته بود.

۴۷ چون شنید که عیسی ناصری است، فریاد برکشید که: «ای عیسی، پسر داوود، بر من رحم کن!» ۴۸ بسیاری از مردم بر او عتاب کردند که خاموش شود، اما او بیشتر فریاد می‌زد: «ای پسر داوود، بر من رحم کن!» ۴۹ عیسی ایستاد و فرمود: «او را فرا خوانید.» پس آن مرد کور را فرا خوانده، به وی گفتند: «دل قوی دار! برخیز که تو را می‌خواند.» ۵۰ او بی‌درنگ عبا (ردای) خود را به کناری انداخته، از جای برجست و نزد عیسی آمد. ۵۱ عیسی از او پرسید: «چه می‌خواهی برایت بکنم؟» پاسخ داد: «استاد، می‌خواهم بینا شوم.» ۵۲ عیسی به او فرمود: «برو که ایمانت تو را شفا داده است.» آن مرد، در دم بینایی خود را بازیافت و از پی عیسی در راه روانه شد.

در این واقعه تاریخی، فرض اینکه بارتیمائوس کور نماینده انسانهایی است که از نظر روحانی نابینا هستند و خدا را نمی بینند! صحیح نیست.

شاید تصور اینکه ردای این کور و گدای نگون بخت بسیار کثیف بود فرض نادرستی نباشد ولی اینکه ردای بارتیمائوس در این داستان اشاره به گناهان انسان ها است و زمانی که کسی در پی مسیح می رود، از گناهانش خلاص می شود! هر چند بسیار جذاب و هیجان انگیز می نماید؛ ولی چنین تفسیری نادرست است و تحمیل تخیلات ذهن بر متن کتاب مقدس می باشد.

مثال دیگری موضوع را بیشتر روشن می سازد.
در انجیل متی ۱: ۲۵ و ۲۴ آمده است:

« ۲۴ چون یوسف از خواب بیدار شد، آنچه فرشته خداوند به او فرمان داده بود، انجام داد و زن خود را گرفت. ۲۵ اما با او همبستر نشد تا او پسر خود را به دنیا آورد؛ و یوسف او را عیسی نامید.» ترجمه هزاره نو

۲۴ پس چون یوسف از خواب بیدار شد، چنانکه فرشته خداوند بدو امر کرده بود، به عمل آورد و زن خویش را گرفت ۲۵ و تا پسر نخستین خود را نزاید، او را شناخت؛ و او را عیسی نام نهاد. ترجمه قدیم فارسی

توجه کنید که در ترجمه هزاره نو بجای عبارت «او را شناخت» که ترجمه کلمه به کلمه یونانی است؛ جمله «با او همبستر نشد» ترجمه شده است؛ و این کاملاً صحیح است. با مروری مختصر در ادبیات عبری و در عهد عتیق متوجه می شویم که این کلمه در روابط بین زن و شوهر به معنای رابطه زناشویی بکاررفته است. (در واقع یهودیان برای رعایت ادب از واژه «شناخت» به جای رابطه زناشویی و همبستری استفاده می کردند) برای مثال در پیدایش ۴: ۱ و ۲۵ می خوانیم:

« ۱ او آدم، زن خود حوا را بشناخت و او حامله شده، قائن را زایید... ۲۵ پس آدم بار دیگر زن خود را شناخت، و او پسری بزاد و او را شیث نام نهاد، زیرا گفت: «خدا نسلی دیگر به من قرار داد، به عوض هابیل که قائن او را کشت.» ترجمه قدیم فارسی

نمونه هایی از این مورد در عهد عتیق بسیار است. توجه کنید که متی در انجیل خود هر چند که به یونانی این کلمه را نوشته است ولی چونکه خودش یهودی است معنی عبری آن مدنظرش بوده است. حال که از معنی کلمه «شناخت» در متن متی ۱: ۲۵ مطمئن شدیم؛ اجازه دهید این آیه را تفسیر کنیم. این آیه به این معنی است که هر چند مریم قبل از زاییدن مسیح باکره بود (برای توضیح اینکه چرا باکره بودن مریم برای آمدن نجات دهنده به این جهان ضروری و یکی از تعالیم بنیادی مسیحیت است ر.ک. به مبحث نجات دهنده) ولی بعد از زاییدن مسیح با همسر خود یوسف زندگی کاملا طبیعی داشت که حاصل آن فرزندان متعددی می باشد. آیات زیر این موضوع را ثابت می کند:

بنابراین کتاب مقدس را باید در وهله نخست مانند هر کتاب دیگری مطالعه کرد و طبعا قواعد دستور زبان و سبک ادبی یا ژانرای ادبی متن مورد مطالعه باید مد نظر قرار گیرند؛ مطالعه و تفسیر متنی تاریخی با مَثَل یا داستانی که آرایه های ادبی گوناگون مانند استعاره، تمثیل و ... در آن بکار رفته کاملا متفاوت است.

قبلا تاکید کردیم که هدف از بکارگیری این اصول تفسیر، دستیابی به معنای درست متن بر اساس مقصود نویسنده و همچنین بر اساس درک خوانندگان و یا مخاطبان اولیه (چند

هزار سال پیش) از آن متن می باشد و نه اینکه یک چینی و یا یک آمریکایی در قرن بیست و یکم چه برداشتی از آن دارند!

عدم رعایت اصول صحیح تفسیر کتاب مقدس به معضلات گوناگونی می انجامد.

در اینجا بد نیست بطور مختصر به برخی از اشتباهاتی که ممکن است در حین مطالعه و تفسیر کتاب مقدس مرتکب شویم اشاره کنیم. این خطاها مانند آینه های محدب و مقعری هستند که تصویری بسیار کج و معوج و خنده دار از یک شیء ارائه می دهند که مطلقا با واقعیت همخوانی ندارد. برخی از این خطاها عبارتند از:

الف- دخالت پیش داوری ها، غرض ورزی ها و تفکرات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... در تفسیر کتاب مقدس یا هر سند تاریخی دیگر.

نمونه ای بارز، الهیات برابر خواهی (سیاسی، اجتماعی و...) یا (**Liberation Theology**) است. این دیدگاه که در اواسط قرن بیستم میلادی در مبارزات طبقاتی آمریکای لاتین و بعدها در میان سیاه پوستان آمریکا نیز

رواج یافت به درکی کاملاً غلط از انجیل مسیح منجر شده است. در این الهیات، انجیل مسیح که خبر خوش آزادی از گناه و مرگ ابدی و پذیرش هدیه حیات جاودانی است تبدیل به انجیل اجتماعی (Social Gospel) شده است که حول و حوش محور عدالت اجتماعی و حقوق مدنی برای قشر ضعیف و فقیر جامعه می چرخد!

فقیران در روح (که کنایه از ورشکستگی روحانی و گناهکار بودن انسان است) تبدیل به قشر مستضعف جامعه و نجات انسان از گناه تبدیل به وعده برابری اجتماعی، آزادی از نژاد پرستی و ظلم و ... شده است. این الهیات در برخی از کلیسا های سیاه پوستان و مخصوصاً در فرقه های کاتولیک آمریکای لاتین نفوذی بسیار دارد. حتی مارتین لوتر کینگ که از رهبران جنبش مدنی سیاه پوستان آمریکا و به ظاهر کشیش بپتیست (Baptist) بود تحت تاثیر این الهیات قرار داشت. علت این درک غلط، تفسیر کتاب مقدس تحت سایه سنگین عقاید مارکسیستی - سوسیالیستی است. بنابراین حین مطالعه کتاب مقدس باید مراقب فیلتر های سیاسی ، اجتماعی، فرهنگی و ... بود.

ب- عمومیت دادن به رویدادی خاص در کتاب مقدس و تبدیل آن به یک تعلیم کلی.

این نیز یکی دیگر از خطاهایی است که منجر به انحرافات عمده در تفسیر کلام خدا می شود. مثلاً به اعتقاد برخی چونکه رسولان مسیح در قرن اول میلادی قادر به انجام معجزات بودند؛ امروزه نیز این امر امکان پذیر است. همانطور که قبلاً توضیح دادیم؛ معجزاتی که رسولان مسیح انجام می دادند همچون مهر و امضای خدا برای تایید حقایق کلامشان بود که به صورت «مکتوب» به عنوان «کتاب مقدس (عهد جدید)» به انسانها داده شده است. بعد از تکمیل کتاب مقدس دیگر مکاشفه جدیدی (الهام جدیدی) از سوی خدا به انسان ها داده نشده است تا نیازی به مهر و امضای خدا (معجزات) باشد. بنابراین عمومیت دادن رویدادهایی که در کتاب مقدس محدود به زمان و مکانی خاص می باشد، نادرست است.

پ- تحمیل خیال پردازی ذهن بر آیات کتاب مقدس.
این نیز یکی دیگر از خطاهایی است که منجر به تفسیر غلط کتاب مقدس می شود. مثال هایی از این خطا را قبلاً در روایات تاریخی نجات زکای کوتاه قد (لوقا ۱۹: ۱-۱۰) و شفای بارتیمائوس کور (مرقس ۱۰: ۴۶-۵۲) نشان دادیم.

نمونه ای دیگر که شارلاتان های مذهبی برای کسب درآمد و ثروت از آن استفاده می کنند در رابطه با مثل برزگر مسیح در انجیل مسیح فصل ۱۳ : ۱ - ۲۳ است:

۱ همان روز، عیسی از خانه بیرون آمد و کنار دریا بنشست.
۲ اما چنان جماعت بزرگی او را احاطه کردند که سوار قایقی شد و بنشست، در حالی که مردم در ساحل ایستاده بودند.
۳ سپس بسیار چیزها با مثلها برایشان بیان کرد. گفت:
«روزی برزگری برای بذرافشانی بیرون رفت. ۴ چون بذر می پاشید، برخی در راه افتاد و پرندگان آمدند و آنها را خوردند. ۵ برخی دیگر بر زمین سنگلاخ افتاد که خاک چندانی نداشت؛ پس زود سبز شد، چرا که خاک کم عمق بود.
۶ اما چون خورشید برآمد، بسوخت و چون ریشه نداشت، خشکید. ۷ برخی میان خارها افتاد، و خارها نمو کرده، آنها را خفه کرد. ۸ اما بقیه بذرها بر زمین نیکو افتاد و بار آورد: بعضی صد برابر، بعضی شصت و بعضی سی. ۹ هر که گوش دارد، بشنود.»...

« ۱۸ پس شما معنی مثل برزگر را بشنوید: ۱۹ هنگامی که کسی کلام پادشاهی آسمان را می شنود اما آن را درک

نمی‌کند، آن شریر می‌آید و آنچه را در دل او کاشته شده، می‌رباید. این همان بذری است که در راه کاشته شد. ۲۰ و اما بذری که بر زمین سنگلاخ افتاد کسی است که کلام را می‌شنود و بی‌درنگ آن را با شادی می‌پذیرد، ۲۱ اما چون در خود ریشه ندارد، تنها اندک زمانی دوام می‌آورد. وقتی به سبب کلام، سختی یا آزاری بروز می‌کند، در دم می‌افتد. ۲۲ بذری که در میان خارها کاشته شد، کسی است که کلام را می‌شنود، اما نگرانیهای این دنیا و فریبندگی ثروت، آن را خفه می‌کند و بی‌ثمر می‌سازد. ۲۳ اما بذری که در زمین نیکو کاشته شد کسی است که کلام را می‌شنود و آن را می‌فهمد و بارور شده، صد، شصت یا سی برابر ثمر می‌آورد.»

با در نظر گرفتن کل فصل ۱۳ به سادگی روشن می‌شود که منظور از «بذر» در آیات فوق کلام خدا و پیغام انجیل است که وقتی در قلبی مستعد (زمین نیکو) قرار می‌گیرد به تولدی دوباره و خلقتی تازه منجر می‌شود. به تدریج میوه‌های روح خدا در آن شخص ظاهر می‌شوند؛ این میوه‌ها عبارتند از:

- میوه‌های درونی (محبت، آرامش، خوشی و...).
- میوه‌های بیرونی (اعمال و گفتار و رفتار نیکو)

-انسان های که با بشارت انجیل توسط یک ایماندار، نجات می یابند و به حیات ابدی نائل می گردند؛ نیز میوه های آن ایماندار محسوب می شوند.

اما برخلاف تفسیر صحیح فوق، شارلاتان های مذهبی برای ترغیب مردم به دادن صدقه (پول) به این افراد و موسسات شان ، «بذر» را در آیات فوق به «ایمانی» که با دادن صدقه (پول) کاشته می شود و رشد می کند؛ تشبیه می کنند. آنها ادعا میکنند که اگر پیروانشان (که اکثرا ایمانداران واقعی نیستند) به آنان و موسسات شان صدقه دهند؛ خدا درآمد و ثروتشان را چندین (صد، شصت و یا سی) برابر می افزاید و سلامتی جسمانی و موفقیت دنیوی نیز عطا خواهد کرد!

جالب است بدانید که به دلیل جذاب بودن این پیغام، میلیون ها نفر در سراسر جهان از این شارلاتان ها پیروی می کنند.

ت- بکار بردن و تفسیر آیه یا آیاتی بدون در نظر گرفتن متنی که این آیات را شامل می شود.

این نیز یکی دیگر از خطاهای بسیار شایع بین ایمانداران است. مثلا این آیه را در کتاب ارمیای نبی ۲۹ : ۱۱ در نظر بگیرید:

« ۱۱ زیرا فکرهایی را که برای شما دارم می دانم، که فکرهای سعادت‌مندی است و نه تیره‌بختی، تا به شما امید بخشم و آینده‌ای عطا کنم؛ این است فرموده خداوند...»

اگر این آیه جدا از متنش تفسیر شود معنایی بسیار کلی و متفاوت از آنچه مورد نظر ارمیای نبی بود از آن استنتاج می شود. حال آنکه این آیات پیشگویی است که ارمیای نبی در مورد قوم اسرائیل می کند. کافی است که کل متن را در نظر بگیریم تا معنی دقیق آیات مشخص شود.

-این آیه ۱۱ خطاب به چه کسانی است؟ آیه اول به این سوال پاسخ می دهد:

« ۱ این است مضمون نامه‌ای که ارمیای نبی از اورشلیم برای مشایخ بازمانده در تبعید و انبیا و کاهنان و همه آنان که نبوکدنصر از اورشلیم به بابل به تبعید برده بود، فرستاد،» ارمیا ۲۹ : ۱

(در آیه فوق نبوکدنصر پادشاه بابل است که حدود ۶۰۵ پ.م. ابتدا به مصر و سپس به اورشلیم هجوم می آورد و به تدریج ساکنان سرزمین یهودیه را به بابل به اسارت می برد.)

در این آیه فکرها یا برنامه های خدا برای قوم تبعید شده اسرائیل که بخاطر نافرمانی به بابل تبعید شده بودند؛ چیست؟ آیه ۱۰ دقیقا به این سوال جواب می دهد:

« ۱۰ او حال خداوند می فرماید: چون هفتاد سال بابل به سر آید، من به یاری شما خواهم آمد و با بازگردانیدن شما بدین مکان، وعده خود را برای شما تحقق خواهم بخشید.» ارمیا ۲۹ : ۱۰

بد نیست بدانید این هم یکی دیگر از پیشگویی های عجیب کتاب مقدس است که دقیقا اتفاق افتاده است. طبق پیشگویی ارمیای نبی قوم تبعید شده یهود بعد از «هفتاد سال» اسارت در بابل به سرزمین خود بازگشتند.

بنابراین درک صحیح آیه فوق با در نظر گرفتن کل متن امکان پذیر است؛ همچنین کاربرد صحیح این آیات در زندگی ما نیز که در قرن بیست و یکم زندگی می کنیم باید بر اساس تفسیر صحیح فوق باشد. برای مثال پولس رسول در رساله اول قرنتیان ۱۰: ۱۲ و ۶ می گوید:

۶ حال، این رویدادها به وقوع پیوست تا نمونه‌هایی باشد برای ما، تا ما همچون آنان (قوم اسرائیل) در پی بدی نباشیم...

۲ پس آن که گمان می‌کند استوار است، به هوش باشد که نیفتد!

در جای دیگر در امثال ۳: ۱۱ و ۱۲ آمده است:
۱۱ پسرم، تادیب خداوند را خوار شمار،
و از توبیخ او بیزاری مجو،
۱۲ زیرا خداوند آنان را که دوست می‌دارد، تادیب می‌کند.
چنانکه پدری، فرزند خویش را که مایه خشنودی اوست.

ث-ارجح دانستن نظر انسان ها و اعتقادنامه ها بر نظر کتاب مقدس.

مرجع مطلق و نهایی برای هر ایماندار واقعی به مسیح، در رابطه با هر موضوع روحانی کتاب مقدس است. متأسفانه زمانی که ایمانداران، عقاید رهبران مختلف مذهبی یا اعتقادنامه کلیسایی را به عنوان مرجعی بالاتر از کتاب مقدس می پذیرند؛ گاهی تفسیری از کتاب مقدس ارائه می دهند که با نظر آن مراجع خاص (رهبر مذهبی یا اعتقادنامه) هماهنگ باشد و با این کار نظر انسانی را بر آیات کتاب مقدس تحمیل می کنند. توجه کنید که این خطا با این موضوع که گاهی دانشمندان و متخصصین کتاب مقدس در تفسیر متن های پیچیده با هم اتفاق نظر ندارند کاملاً متفاوت است.

نمونه بارز این خطا، برخی از تعالیم اشتباه کلیسای کاتولیک است. در کلیسای کاتولیک، پاپ بالاترین مرجع روحانی آن کلیسا و پیروانش قلمداد می شود؛ در طول تاریخ تفسیرهای اشتباهی از آیات مختلف کتاب مقدس برای هماهنگی با نظر پاپ ها در این کلیسا ارائه شده است. این تفسیرها زیربنای تعالیمی را تشکیل می دهند که گاهی حتی

کاملاً خلاف کتاب مقدس هستند. متأسفانه کلیسای کاتولیک به دلیل این تعالیم، از مسیحیت واقعی فاصله گرفته است و به جرات می‌توان گفت که اکثر پیروان این کلیسا که تعدادشان از صدها میلیون نفر نیز تجاوز می‌کنند؛ ایمانداران واقعی به مسیح نیستند!

یک نمونه از این تعالیم غلط، اعتقاد به باکره بودن مادام‌العمر مریم مادر عیسی و قائل شدن مقام و نقش بسیار برجسته (در حد مسیح) برای وی است.

برای کسی که فقط یکبار و نه بیشتر عهد جدید کتاب مقدس را خوانده باشد؛ بدون کوچکترین شبهه رسیدن به این نتیجه که چنین اعتقاداتی کاملاً اشتباه است؛ بسیار بدیهی است!

در اینکه مریم، زنی صالح و خداترسی بود هیچ شکی نیست ولی وی مانند همه انسان‌های دیگر از نسل آدم و حوا و بنابراین انسانی گناهکار و سقوط کرده بود که برای نجات از گناه محتاج کفاره مسیح بود. اهمیت باکره بودن مریم را نیز قبلاً توضیح دادیم و تأکید کردیم که نجات دهنده ای که می‌بایست نسل آدم و حوا (انسان اول) را از گناه و مرگ نجات دهد خود نمی‌توانست از این نسل سقوط کرده باشد و بنابراین مسیح به عنوان «انسان دوم» از مریم باکره با

معجزه خدای روح القدس متولد شد. بعد از این واقعه، مریم و یوسف یک زندگی کاملاً طبیعی با هم داشتند و حاصل آن فرزندان متعددی بود که حتی نام برخی در کتاب مقدس آمده است! به آیات زیر توجه کنید:

« ۲۴ چون یوسف از خواب بیدار شد، آنچه فرشته خداوند به او فرمان داده بود، انجام داد و زن خود را گرفت. ۲۵ اما با او همبستر نشد تا او پسر خود را به دنیا آورد؛ و یوسف او را عیسی نامید.» متی ۱: ۲۴

« ۴۶ در همان حال که عیسی با مردم سخن می‌گفت، مادر و برادرانش بیرون ایستاده بودند و می‌خواستند با وی گفتگو کنند. ۴۷ پس شخصی به او خبر داد که: «مادر و برادرانت بیرون ایستاده‌اند و می‌خواهند با تو گفتگو کنند.» ۴۸ پاسخ داد: «مادر من کیست؟ و برادرانم چه کسانی هستند؟» ۴۹ سپس با دست خود به سوی شاگردانش اشاره کرد و گفت: «اینانند مادر و برادران من! ۵۰ زیرا هر که اراده پدر مرا که در آسمان است به جای آورد، برادر و خواهر و مادر من است.» متی ۱۲: ۴۶-۵۰

« ۵۳ چون عیسی این مَثَلها را به پایان رسانید، آن مکان را ترک گفت ۵۴ و به شهر خود (ناصره) رفته، در کنیسه به تعلیم مردم پرداخت. مردم در شگفت شده، می‌پرسیدند: «این مرد چنین حکمت و قدرتِ انجام معجزات را از کجا کسب کرده است؟ ۵۵ مگر او پسر آن نجّار نیست؟ مگر نام مادرش مریم نیست؟ و برادرانش یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا نیستند؟ ۵۶ مگر همهٔ خواهرانش در میان ما زندگی نمی‌کنند؟ پس این چیزها را از کجا کسب کرده است؟»
متی ۱۳: ۵۳-۵۶

« ۲۴ سپس (مسیح) با مادر و برادران و شاگردان خود به کَفَرناحوم رفت، و روزهایی چند در آنجا ماندند.»
یوحنا ۲: ۱۲

« ۱۴ ایشان (رسولان مسیح) همگی به همراه زنان و نیز مریم مادر عیسی و برادران او، یکدل تمامی وقت خود را وقف دعا می‌کردند.» اعمال رسولان ۱: ۱۴

نام مریم حتی یکبار هم در رسالات عهد جدید ذکر نشده است. کلیسای کاتولیک نقش بسیار برجسته برای مریم قائل است و از وی بعنوان واسطه یا میانجی بین خدا و انسان یاد می کنند و حتی به نام مریم دعا می کنند!
حال به این آیه توجه کنید:

« زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیح عیسی است؛» اول تیموتائوس ۲ : ۵

متأسفانه کلیسای کاتولیک ، کلیسایی است که روح خدا قرن هاست از آن رخت پر بسته است. هم اکنون کلیسای کاتولیک بیشتر سرگرم مسائل سیاسی و اجتماعی است تا امور ملکوت آسمان و انجیل عیسی مسیح!

شخصی را در ذهنتان مجسم کنید که ادعا می کند عاشق خورشید است ولی هرگز مایل نیست خود را در معرض نور و حرارت خورشید واقعی قرار دهد پس نقاشی های متعددی از خورشیدی که ساخته و پرداخته ذهن است؛ روی کاغذ می کشد و بر دیوارهای خانه اش می چسباند؛ سپس در

ظلمت خانه اش و در نور شمعی کم سو به این نقاشی ها
نگاه می کند و ساعتها در مورد زیبای آنها شعر می سراید
و آن خورشید را می پرستد!

این داستان همه انسان هایی است که از حقیقت گریزانند.
چون که حقیقت مثل زلزله ده ریشتری است که بنیاد دروغ
و فریب را متلاشی می کند و همه افکار و تخیلاتی که بر آن
بنیاد نهاده شده است بی درنگ و به ناچار فرو می ریزند!